

بررسی و تحلیل راهکارهای قرآنی و روایی تولید انبوه و باکیفیت

افشین سلیمی وردنجانی*

چکیده

تولید انبوه و باکیفیت محصول یکی از مهم‌ترین دستورات دینی به مسلمانان است. با توجه به آن‌که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی منبعث و متأثر از تعالیم الهی است؛ بنابراین بر اساس همین دستور یکی از اصلی‌ترین محورهای بیانیه به این مهم اختصاص یافته است. در این پژوهش با استفاده از ابزار مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوای کیفی در پی پاسخ به این سؤال هستیم که در آموزه‌های قرآنی و روایی چه راهکارهایی برای تولید انبوه و باکیفیت به مسلمانان توصیه شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در این منابع برای هر یک از طبقات جامعه اعم از دولت، تولیدکنندگان و مردم وظایفی در جهت تحقق این مهم مشخص شده است؛ از جمله دولت با تلاش در جهت استقلال و اقتدار اقتصادی از طریق عدم وابستگی به بیگانگان، تقویت روحیه کار و نهی از تنبلی در جامعه، حمایت از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان، استفاده بهینه از سرمایه و منابع طبیعی کشور، برقراری امنیت اقتصادی، تربیت نیروی متخصص، واگذاری فعالیت‌های تولیدی به بخش خصوصی و نظارت بر تولید و کنترل واردات کالاها، تولیدکنندگان از طریق اجتناب از فریب و غش در معاملات و پرهیز از گران‌فروشی و مردم از طریق ترجیح استفاده از کالاهای ساخت تولید داخلی، مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه، صبر و مقاومت در برابر مشکلات اقتصادی و رعایت قوانین مصوب حکومتی می‌توانند در این راه یاریگر باشند.

واژگان کلیدی: قرآن، روایات، رونق و جهش تولید، تولید باکیفیت و انبوه، بیانیه گام دوم انقلاب.



* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته "اندیشه سیاسی در اسلام" پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی،
salimi۸۲۱۹@gmail.com

مقدمه

مسئله افزایش و رونق تولید همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر در طول تاریخ حیاتش بوده است، علت اصلی این دغدغه افزایش جمعیت انسانی و به تبع آن افزایش نیازهای بشر است. علیرغم نامحدود بودن منابع طبیعی اما توجه به این مطلب ضروری است که این منابع چنانچه مورد استفاده درست قرار نگیرند و در جهت تولید مطلوب و منطقی استفاده نشوند نابود می‌شوند و حیات انسانی در معرض تهدید قرار می‌گیرد؛ بر همین اساس جهان‌بینی اسلامی که منابع متنی آن را قرآن و روایات و منابع فرا متنی آن را سیره معصومین و پیامبران تشکیل می‌دهد از این مهم غافل نشده است. در منابع اسلامی علاوه بر بیان اهمیت و تأکید بر جهاد در جهت رونق تولید محصولات باکیفیت، شیوه‌های عملی بهره‌گیری از مواهب طبیعی و دستیابی به این مهم نیز آمده است؛ آن‌چنان‌که پیامبران به‌عنوان هادیان جامعه و پس از آن‌ها معصومین به‌عنوان مفسرین قرآن نیز به مسئله رونق تولید و کیفی سازی آن توجه خاصی مبذول داشته و نه تنها این مهم را به دیگران توصیه کردند بلکه خود نیز گام‌های عملی در این زمینه برداشته‌اند؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و تأکیدات دستورات دینی در جهت رونق تولید محصولات باکیفیت، نظام جمهوری اسلامی ایران که بر اساس آموزه‌های اسلامی تشکیل شده و بر اساس دستورات دینی به برنامه‌ریزی برای شئون زندگی مسلمانان پرداخته است از بدو تأسیس توجه خاصی به این موضوع داشته است. نمود بارز این توجه نام‌گذاری شعار سال ۱۳۹۸ تحت عنوان " رونق تولید" و سال ۱۳۹۹ تحت عنوان " جهش تولید" از سوی مقام معظم رهبری است. اهمیت این مطلب زمانی روشن‌تر می‌شود که بیانیه گام دوم انقلاب که هدف آن ریل‌گذاری برای حرکت آینده نظام اسلامی ایران است بر تقویت اقتصاد مستقل کشور از طریق تولید انبوه و باکیفیت تأکید دارد.

در پژوهش حاضر در پی اثبات این فرضیه که دستورات اسلامی در خصوص تولید به نحوی است که اگر درست اجرا گردند نتیجه آن رونق تولید محصولات باکیفیت و به تبع آن بی‌نیازی جامعه اسلامی از غیر خواهد شد سؤالی تحت عنوان " راهکارهای تولید انبوه و باکیفیت از دیدگاه قرآن و روایات چیست" مطرح و سپس تلاش شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و با

استفاده از ابزار کتابخانه‌ای در قالب تبیین وظایف سه رکن اصلی تولید (دولت، مردم و تولیدکنندگان) در قرآن و روایات به این مهم پاسخ داده شود.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی با عنوان راهکارهای قرآنی و روایی تولید انبوه و باکیفیت صورت نگرفته است؛ هرچند که عناوین مشابه با آن نظیر رونق تولید یا جهش تولید از منظر قرآن و حدیث از دیدگاه پژوهشگران مغفول مانده و پژوهش‌هایی هرچند محدود در این عناوین صورت گرفته است. برخی از پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت پذیرفته عبارت‌اند از:

در مقاله "راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی" به قلم صمد عبداللهی عابد و مهری قبادی (۱۳۹۳) نویسندگان ابتدا به بیان اهمیت اقتصاد در جامعه پرداخته‌اند و سپس با استناد به آیات قرآن کریم راهکارهایی را برای رونق و پیشرفت اقتصادی ارائه داده‌اند. در این پژوهش به سیره پیشوایان معصوم در زمینه انجام فعالیت‌های اقتصادی نیز در قالب یک عنوان مجزا پرداخته شده است. پژوهش حاضر صرفاً به بعضی از راهکارهای قرآنی و روایی در زمینه رونق اقتصادی اشاره داشته و از بعضی از راهکارها مغفول مانده یا چشم‌پوشی کرده است؛ بنابراین از این جهت محدود و ناقص به نظر می‌رسد و تفاوت آن با پژوهش حاضر آن است که در این پژوهش به دنبال بیان کامل راهکارهای قرآنی و روایی تولید انبوه و باکیفیت محصول هستیم که زیرمجموعه رونق اقتصادی محسوب می‌شود.

در مقاله "بررسی رونق تولید اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم" به قلم احسان غلامپور (۱۳۹۹) نویسنده پس از تأکید بر اهمیت تولید به بیان الزامات رونق تولید از دیدگاه قرآن پرداخته است؛ هرچند که نگارنده تلاش کرده است که دسته‌بندی خاصی ارائه دهد اما متأسفانه در این مهم ناکام مانده و خواننده با مطالعه این پژوهش متوجه نخواهد شد که وظایف و الزامات ارائه‌شده پژوهش متوجه کدام رکن تأثیرگذار در تولید (دولت، تولیدکننده، مردم) است.

هر یک از پژوهش‌های فوق و مشابه آن‌ها از زوایایی به این مسئله مهم پرداخته‌اند؛ اما متأسفانه پژوهش جامعی که به بیان دیدگاه‌های اسلام در این خصوص بپردازد و با ذکر آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) راهکارهایی در ارتباط با مسئله تولید محصولات باکیفیت و انبوه ارائه کند به چشم نمی‌خورد. لذا موضوع حاضر یک موضوع با پیشینه پژوهشی محدود است.



راهکارهای قرآنی و روایی تولید محصولات انبوه و کیفی

در آیات متعدد از قرآن کریم و همچنین روایات فراوان از معصومان (علیهم‌السلام) به راهکارهایی در جهت گسترش و رونق تولید محصولات باکیفیت اشاره شده است. در یک دسته‌بندی کلی راهکارهای ارائه‌شده در این منابع را می‌توان در سه سطح دولت، تولیدکنندگان و مردم تقسیم‌بندی کرد.

۱- دولت

در میان سه عامل برشمرده مؤثر در رونق تولید دولت در رأس این هرم قرار دارد. علت این امر آن است که دولت مؤثرترین نقش را در شکل‌گیری یک اقتصاد پویا در جامعه دارد و می‌تواند با عملکرد مطلوب یا نامطلوب خود تولید در یک جامعه را با رشد یا رکود مواجه کند. در منابع دینی مهم‌ترین وظایف دولت در جهت نیل به این هدف عبارت‌اند از:

۱-۱. پرهیز از وابستگی به بیگانگان و تلاش در جهت استقلال و اقتدار اقتصادی

یکی از مهم‌ترین وظایف همه مسلمانان تلاش در جهت دستیابی به استقلال و اقتدار اقتصادی و اجتناب از وابستگی به بیگانگان است؛ اما با توجه به اینکه دولت در جامعه اسلامی نقش هدایت‌گری و سیاست‌گذاری را بر عهده دارد در این میان بیشترین سهم متوجه اوست. در آیات متعددی از قرآن کریم اقتصاد مستقل، قدرتمند، نفوذناپذیر و در حال پیشرفت برای جامعه اسلامی تجویز شده است. منابع اسلامی نیز در یک دستور کلی از همه مسلمانان می‌خواهند که خود را از نظر اقتصادی، سیاسی، نظامی و... به‌اندازه‌ای قوی و توانمند سازند که دشمنان خداوند و آن‌ها به خود اجازه ندهند درصدد ضربه زدن به مسلمانان برآیند و همواره در روابطشان با دیگر کشورها، از سیاستی پیروی کنند که زمینه برای دخالت بیگانگان در جامعه اسلامی در هیچ‌کدام از عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و... فراهم نشود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)؛ ((خداوند هرگز برای کافران نسبت به اهل ایمان، راه سلطه و نفوذ قرار نمی‌دهد)). در تفسیر این آیه نظر علما و مفسران اسلامی نیز بیانگر آن است که یکی از راه‌های اصلی عدم تسلط کفار بر جامعه اسلامی، داشتن استقلال اقتصادی

است و به تعبیر امام خمینی (ره)، وابستگی اقتصادی، منشأ همه وابستگی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه است (صحیفه امام، ۱۳۸۹، ۱۰/۳۳۳).

بر اساس همین دستور قرآنی است که توجه به تولید و مصرف کالاهای داخلی، از اهمیت بسیاری برخوردار می‌شود؛ زیرا عدم توجه به بهبود و افزایش تولید به میزان نیازها و ضرورت‌های پیشرفت، زمینه احتیاج و دست‌دراز کردن به سوی بیگانگان را فراهم می‌کند و از رهگذر احتیاج، تسلیم به بیگانگان و در نتیجه سلطه و سیطره آن‌ها بر مقدرات مسلمانان تحقق می‌یابد؛

آن‌چنان‌که امیر مؤمنان علی (ع) نیز در این خصوص می‌فرماید: «اِحْتِجْ اِلَیَّ مِنْ شِئْتِ تَكُنْ اَسِیْرَه» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ۲/۴۲۰)؛ ((به هر کس که خود را محتاج کنی اسیر او می‌گردد)).

همچنین در دستورات اسلامی از مسلمین خواسته شده که علاوه بر تلاش در جهت استقلال اقتصادی، تلاشی هم در جهت نیل به اقتدار اقتصادی داشته باشند. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (انفال، ۶۰)؛ ((هر چه در توان دارید از نیرو و امکانات بسیج کنید تا به‌وسیله آن‌ها، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید)).

در تفاوت استقلال با اقتدار در زمینه اقتصادی می‌توان گفت که ممکن است کشوری از لحاظ اقتصادی مستقل باشد ولی مقتدر نباشد؛ یعنی بتواند بدون کمک دیگران به پای خود بایستد ولی نتواند حرف اول را در روابط اقتصادی با دیگران بزند. در این حالت آن کشور، استقلال دارد ولی اقتدار ندارد؛ بنابراین چنین کشوری نمی‌تواند در روابط اقتصادی با دیگران شرایط خود را به آن‌ها بقبولاند. بنابراین شرط دست‌یابی به اقتدار استقلال است و بدون آن هرگز نمی‌شود به اقتدار دست‌یافت؛ ولی اقتدار، شرط استقلال نیست بلکه اقتدار بالاتر از آن است؛ بنابراین رابطه مستقیم و دوسویه‌ای بین عدم وابستگی به بیگانگان و داشتن اقتصاد مستقل و مقتدر با رونق تولید وجود دارد؛ یعنی همان‌گونه که رونق تولید کیفی می‌تواند باعث عدم وابستگی و برپایی یک اقتصاد مستقل و مقتدر شود؛ استقلال و اقتدار اقتصادی نیز می‌تواند زمینه‌ساز گسترش و رونق تولید شود.

۲-۱. تقویت روحیه کار و نهی از تنبلی در جامعه

از دیگر وظایف دولت آن است که با فراهم آوردن امکان اشتغال و اتخاذ سیاست‌ها و تبلیغات مناسب در جامعه باعث ترویج و تقویت روحیه کار و نکوهش افراد بیکار شود. این راهکار به نوعی هم می‌تواند یک دستور به دولت اسلامی در جهت فراهم آوردن شرایط کار و هم دستوری برای همه مردم جامعه به منظور اجتناب از تنبلی و سستی باشد. حضرت امیر (ع) نیز در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه یکی از وظایف اصلی دولت را تأمین رفاه زندگی همه مردم می‌شمارد که با ایجاد اشتغال و رونق دادن به کشت و کار و صنعت و تجارت و بالا بردن سطح درآمدها و ریشه‌کن ساختن بیکاری، میسر می‌شود. بدیهی است که یکی از مهم‌ترین شرایط برای دستیابی به تولید و سپس گسترش، رونق و کیفی کردن آن عامل انسانی است؛ یعنی چنانچه منابع الهی به صورت نامحدود در اختیار انسان باشد اما انسان هیچ حرکت و تلاشی در جهت بهره‌برداری از آن‌ها نکند یا موانعی مانع از انجام این بهره‌برداری شود این منابع نیز بی‌فایده می‌شوند.

در قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز به این مهم توجه شده است. در قرآن کریم در ضمن بیان سرگذشت پیامبران به کار و شغل آن‌ها نیز اشاره شده است؛ به‌عنوان نمونه آیه ۲۷ سوره قصص به شبانی و کارگری حضرت شعیب (ع) و حضرت موسی (ع) اشاره کرده و آیه ۸۰ سوره انبیا شغل حضرت داود (ع) را زره‌سازی و آهنگری معرفی کرده است. نظیر همین مطلب در مورد همه پیامبران نیز صدق می‌کند. همچنین در آیات متعددی، قرآن کریم به همه انسان‌ها دستور به کار و تلاش می‌دهد از جمله در آیات: «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹)؛ ((و اینکه برای انسان جز حاصل کوشش او نیست)) و «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ» (مدرثر، ۳۸)؛ ((هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده است)).

در روایات اسلامی نیز بر کار و کوشش و پرهیز از تنبلی بسیار توجه شده است. به‌عنوان نمونه امام صادق (ع) می‌فرماید: ((شِرَاءُ الدَّقِيْقِ يُنْشِئُ الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الْخُبْزِ مَحْقٌ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَبْقَاكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شِرَاءِ الْحِنْطَةِ قَالَ ذَاكَ لِمَنْ يَقْدِرُ وَ لَا يَفْعَلُ)) (کلینی، ۱۴۰۷، ۵ / ۱۶۷)؛ ((خرید گندم، فقر را دور می‌کند و خرید آرد، فقر می‌آورد و خرید نان و خرید نان (مایه) نابودی است. (راوی) گفتیم: فدایت شوم کسی که قادر به خرید گندم نیست، چه کند؟ فرمود: این برای کسی است که قادر

باشد و انجام ندهد)). در روایت دیگری در باب نهی از تنبلی و تأکید بر کار و تلاش امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: ((إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيُبْغِضَ الْعَبْدَ الْفَارِعَ)) (صدوق، ۱۴۱۳، ۳/ ۱۶۹)؛ ((خداوند بنده بیکار را مغبوض می‌دارد)).

بنابراین می‌توان گفت که در دستورات اسلامی رمز پیروزی در هر فعالیتی از جمله دست‌یابی به رونق تولید، کار و تلاش و پرهیز از تنبلی، سستی و بیکاری است؛ و هم دولت باید وظیفه خود را در این زمینه به‌خوبی انجام دهد و هم مردم از سستی و تنبلی بپرهیزند.

۳-۱. حمایت از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان

اساس و بنیان تولید و کار در جامعه را سرمایه تشکیل می‌دهد. بر این اساس رونق تولید محصولات باکیفیت و انبوه در یک کشور منوط به سرمایه‌گذاری تولیدکننده در یک فعالیت خاص اقتصادی است؛ بنابراین هم مردم و هم مسئولان مکلف‌اند به حمایت از تولیدکننده و سرمایه‌گذار بپردازند. هرچند که مردم با خرید کالای داخلی می‌توانند یک تولیدکننده را مورد حمایت خود قرار دهند اما بار اصلی مسئولیت در این زمینه بر دوش مسئولین و دولت است. از جمله مهم‌ترین اقداماتی که دولت در راستای حمایت از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان می‌تواند انجام دهد فرهنگ‌سازی سرمایه‌گذاری بر پایه ارزش‌های دینی و نهادینه کردن آن است؛ این بدان معناست که دولت با فراهم آوردن شرایط مناسب باعث شود که سرمایه‌گذار با هدف رفع نیازهای جوامع بشری و تولید کالاهای باکیفیت وارد عرصه سرمایه‌گذاری و تولید کالا شود.

این موضوع در سیره معصومین (علیهم‌السلام) هم مورد توجه قرار گرفته است؛ آن‌چنان‌که امام صادق (ع) ضمن واگذاری سرمایه خود به‌منظور تجارت به یکی از اصحابش به نام "عذافر" فرمود: ((أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ لِي رَغْبَةٌ فِي رِبْحِهَا وَإِنْ كَانَ الرِّبْحُ مَرْغُوبًا فِيهِ وَ لَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ يُرَآنِيَ اللَّهُ جَلًّا وَ عَزًّا مُتَعَرِّضًا لِفَوَائِدِهِ)) (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/ ۷۶)؛ ((توجه کن که مرا هیچ رغبتی در سود آن نیست - هرچند که سود دادوستد مرغوب است - لیکن من از آن جهت درصدد انجام آن هستم که دوست دارم خداوند مرا درحالی که به دنبال فواید آن هستم ببیند)).

بر این اساس ضروری است که مسئولین امر، حمایت‌های لازم از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان را انجام دهند و چنین افرادی را که با سرمایه‌های خود اقتصاد و تولید یک جامعه را رونق

می‌بخشند و درواقع از مصادیق بارز ((بجاهدون باموالهم)) هستند همانند رزمندگان و مجاهدان میدان حق در برابر باطل موردتکریم قرار دهند.

۴-۱. استفاده بهینه از سرمایه و منابع طبیعی کشور

یکی دیگر از مهم‌ترین عواملی که باعث رونق تولید محصولات باکیفیت در جامعه می‌شود و به‌نوعی جزء وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود، استفاده بهینه و درست از منابع طبیعی کشور است. در این باره امام سجاد (ع) در دعایی می‌فرماید: ((وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَفِيمَا خَوَّلْتَنِي وَفِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ)) (امام علی بن الحسین، ۱۳۷۶/۱۰۸)؛ ((خدایا به من توفیق بده تا نعمت‌ها و امکاناتی را که به من انعام کرده‌ای به گونه برکت‌زا به‌کارگیرم)).

در روایتی دیگر از امام سجاد (ع) در این باره می‌خوانیم: ((لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَاءِ إِذَا شَكَرْتَ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ)) (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۸/۵۵)؛ ((هرگاه از نعمت‌ها درست استفاده کنی پایان نمی‌پذیرند و اگر از آن‌ها نادرست بهره‌برداری کنی دوام نمی‌یابند)).

توجه به این نکته ضروری است که استفاده نامعقول از منابع اشکال مختلفی دارد که یکی از بارزترین نمونه‌های آن خام‌فروشی (فروش منابع طبیعی به‌صورت خام و اولیه) است. کشورهای قدرتمند و صاحب ثروت این منابع را با پرداخت مبلغ ناچیزی می‌خرند و پس از انجام تغییراتی با چند برابر قیمت اولیه خریداری شده به صاحبان اولیه می‌فروشند. در این میان می‌توان نقش کشورهای ثروتمند را به نقش دلالان ماهری تشبیه کرد که ثروت سرشار جهان سوم را می‌ربایند و سرانجام با فروش فرآورده‌های صنعتی به آنان همان مبلغ ناچیزی را که در قبال منابع طبیعی و نیروی کار به این کشورها داده‌اند از آن‌ها پس می‌گیرند (فراهانی فرد، ۱۳۷۸: ۵۰). این اقدام مصداق تسلط بیگانگان بر سرمایه‌های مسلمین است که خالق قهار در آیه ۱۴۱ سوره نساء به‌شدت آن را رد و نهی کرده است.

یکی دیگر از مصادیق استفاده غیرمنطقی از منابع، مصرف‌گرایی و حتی بدتر از آن تولید اشیای غیرضروری، مخرب و زیان‌آور است. بدیهی است که چنانچه منابع کشور از سوی مسئولین برای مصارف تولیدی غیرضروری مورد استفاده قرار گیرد باعث نابودی بیت‌المال می‌شود و از این جهت کشور با کمبود منابع مواجه می‌شود و این می‌تواند آفت رونق و شکوفایی تولید منطقی در یک کشور محسوب شود. در آموزه‌های دینی هم بر این مطلب تأکید شده آن‌چنان‌که بر اساس این

آموزه‌ها همه مسلمانان و به‌ویژه زمامداران در حفظ اموال و منابع عمومی و استفاده معقول و منطقی از آن‌ها مسئول هستند و می‌بایست از ضایع سازی و تدبیر نادرست در ارتباط با این اموال بپرهیزند. در این زمینه امام صادق (ع) می‌فرماید: ((مَنْ وَلِيَ شَيْئاً مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَضَبَعَهُمْ ضَبْعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ)) (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۲ / ۳۴۵)؛ (کسی که ولایت امری از امور مسلمانان را بر عهده بگیرد و کار ایشان را تباه گرداند خداوند بزرگ او را تباه می‌گرداند)).

۵-۱. برقراری امنیت اقتصادی

یکی دیگر از وظایف دولتمردان که رعایت آن باعث رشد و رونق تولید در یک کشور می‌شود تلاش در جهت برقراری امنیت اقتصادی برای تولیدکنندگان و شهروندان است. امنیت در لغت به معنای آرامش خاطر و نابودی خوف و بیم است (راغب، ۱۴۱۲ / ۹۰) در کلام معصومین (علیهم‌السلام) به‌شدت مورد تأکید و در مقابل آن ناامنی در جامعه شدیداً مورد نکوهش واقع شده است. امام علی (ع) در باب اهمیت امنیت می‌فرماید: ((شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقَطَّانُ)) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ / ۴۱۰)؛ ((بدترین وطن آن وطنی است که ساکنانش در آن امنیت ندارند)).

بر اساس آموزه‌های اسلامی دولت اسلامی موظف است نهایت تلاش خود را جهت جلوگیری از پدید آمدن جو وحشت و هراس در جامعه به کار گیرد و با فراهم آوردن یک جو آرام و مطمئن شرایط رشد و رونق تولیدی و اقتصادی را پدید آورد. نظیر همین مطلب در کلام حضرت امیر (ع) نیز وجود دارد. ایشان در نامه خود به مالک اشتر، پس از سفارش‌هایی در رابطه با صنعت گران و بازرگانان تأکید می‌کنند که: ((ثُمَّ التُّجَّارَ وَ دَوَى الصِّنَاعَاتِ فَاسْتَوْصِ وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا... فَاحْفَظْ حُرْمَتَهُمْ وَ آمِنْ سُبُلَهُمْ وَ خُدْ لَهُمْ بِحَقُوقِهِمْ)) (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ / ۱۴۰)؛ ((در مورد بازرگانان و صاحبان صنایع سفارش مرا بپذیر و آن‌ها را سفارش به نیکوکاری کن... پاس بدار حرمت آن‌ها را و راه‌های فعالیت (کسب‌وکار) آن‌ها را امن گردان و در حفظ حقوق آن‌ها بکوش)).

یکی از مقدماتی‌ترین کارهای دولت در راستای برقراری امنیت در جامعه حضور گسترده و فعال نیروهای انتظامی است؛ آن‌چنان‌که با حضورشان یاریگر ستم دیدگان شوند و با اقداماتشان محیط عمومی جامعه را برای غارتگری، عیاشی و زورگویی ناامنی کنند. این سپاهیان همان کسانی هستند که در کلام حضرت امیر (ع) تحت عنوان ((دژ رعیت)) معرفی شده‌اند می‌فرماید: ((فَالْجُنُودُ يَأْذِنُ اللَّهُ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زِينُ الْوَلَاءِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سَبِيلُ الْأَمْنِ وَ الْخَفْضُ وَ لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا

یهم)) (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ / ۱۳۱)؛ ((به فرمان خداوند سپاهیان دژهای استوار رعیت، مایه زینت حاکمان و عزت دین و (فراهم آورنده) امنیت در راهها هستند و زندگی مردم جز با سپاهیان برپایی نیابد)).

بر اساس مجموع احادیث ذکر شده در باب اهمیت امنیت و ارتباط آن با تولید می توان جایگاه و تأثیرگذاری این مفهوم در جهت سرمایه گذاری و تولید انبوه و باکیفیت محصولات را به خوبی دریافت.

۶-۱. تربیت افراد متعهد و متخصص

نظام آموزشی کارآمد و تربیت نیروی انسانی متخصص یکی دیگر از عوامل مهمی است که باعث پیشرفت کشور در همه زمینهها از جمله تولید می شود. در اهمیت این موضوع پیامبر گرامی اسلام می فرماید: ((مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ)) (کلینی، ۱۴۰۷، ۱ / ۴۴)؛ ((هر کسی بدون علم دست به انجام کاری بزند بیش از آن که آن کار را آباد سازد خرابش می کند)). خالق متعال نیز در محکم خود ضمن بیان داستان حضرت یوسف (ع) از قول این پیامبر بزرگ که فرمود: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْم» (یوسف، ۵۵)؛ ((یوسف گفت: مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم)) به اهمیت و تقدم داشتن مهارت و شناخت بر عمل تأکید و تصریح می کند.

بر اساس این آیه و روایات متعدد در منابع اسلامی جامعه ای که به دنبال پیشرفت اقتصادی و به تبع آن تولید انبوه محصولات باکیفیت است، مکلف است افرادی را که فاقد تخصص های لازم از نظر فکری و فنی و همچنین تدبیر لازم به منظور پیشبرد امور نیستند را کنار گذاشته و از افراد متخصص و لایق استفاده کند. آن چنان که حضرت امیر (ع) در زمینه فن حکومت داری در نامه ای به مالک اشتر فرمودند: ((قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ... أَجْمَعَهُمْ عِلْمًا وَ سِيَّاسَةً)) (شریف رضی، ۱۴۱۴ / ۴۳۲)؛ ((مسئولیت را به کسانی واگذار که دارای مهارت علمی و توانا در امر سیاست گذاری باشند)). اهمیت تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص به اندازه ای است که امام صادق (ع) کوتاهی در این زمینه و عدم بهره گیری از افراد متخصص را باعث نابودی اسلام و مسلمانان می داند و می فرماید: ((فَإِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَ فَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا

الْحَقَّ وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ)) (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/ ۲۵)؛ ((از عوامل نابودی مسلمانان و اسلام آن است که اموال در دست کسانی قرار گیرد که حق مال (و مال داری و توان اقتصادی) را ندانند و اموال را در راه خیر به مصرف نرسانند)).

۷-۱. واگذاری کارهای تولیدی به بخش خصوصی (مردم)

از دیگر عوامل مهمی که در یک کشور می‌تواند باعث رشد و رونق تولید شود و انگیزه لازم برای بالا بردن کیفیت محصولات تولیدی را فراهم آورد، واگذاری کارهای تولیدی از سوی دولت به مردم است. واگذاری کارهای تولیدی به مردم از یک سو باعث کاهش هزینه‌های تولید و از سوی دیگر باعث افزایش کارایی و بهره‌وری تولید می‌شود؛ بنابراین دولت مکلف است به‌جز در مواردی که نیاز به سرمایه فراوان دارد و از توانایی‌های بخش خصوصی خارج است و یا رعایت مصالح امنیتی و ملی دخالت دولت در اقتصاد را مستقیماً ایجاب می‌کند، در سایر موارد کارهای تولیدی را به بخش خصوصی واگذار کند و خود صرفاً نقش نظارتی داشته باشد؛ یعنی با حمایت‌های عملی و قانونی خود موانع تولید و سرمایه‌گذاری را رفع و سرمایه‌های مردم (بخش خصوصی) را در جهت رونق تولید به کارگیرد (خلیلیان، ۱۳۹۰/ ۱۱۷).

از مجموع سیره عملی پیامبر گرامی اسلام (ص) و معصومین (علیهم‌السلام) چنین برمی‌آید که آن بزرگواران در جایگاه حاکمان واقعی اسلامی در مواردی که اقدامات شخص یا اشخاصی باعث وارد آمدن ضرر و زیان به دیگران یا جامعه اسلامی می‌شد یا باعث ترویج فساد و فحشا یا باعث کمبود کالاها به‌ویژه کالاهای اساسی در جامعه می‌شد سریعاً دخالت می‌کردند و فساد را از ریشه قطع می‌کردند. حضرت امیر در بیان سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: ((أَنَّهُ مَرَّ بِالْمُحْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُخْرَجَ إِلَى بَطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنْظَرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا)) (طوسی، ۱۳۹۰، ۳/ ۱۱۵)؛ ((پیامبر خداوند (ص) از محتکرین گذشت و فرمان داد اموال احتکاری را به بازار آورند و آن‌ها را در مقابل چشم مردم قرار دهند)). در غیر از این موارد فعالیت‌های اقتصادی را به بخش خصوصی (مردم) واگذار می‌کردند. گذشته از این مطلب بسیاری از احکام اسلامی بستر ساز گسترش فعالیت و مشارکت بخش خصوصی است؛ به‌عنوان نمونه باینکه اراضی بلااستفاده (موات) و معادن، انفال محسوب می‌شوند و در اختیار حاکم اسلامی است اما تاریخ بیانگر آن است که سیره پیامبر (ص) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) بر این بنا استوار بود که احیای



زمین‌های موات و بهره‌برداری از معادن را به خود مردم واگذار می‌کردند و در این زمینه حکومت اسلامی صرفاً نقش نظارتی و هدایتی داشته است. روایت امام باقر (ع) اثبات مدعای ما است آن‌چنان‌که می‌فرماید: ((أَيُّمَا قَوْمٍ أَحْيَا شَيْئًا مِنَ الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا فَهَمُّ أَحَقُّ بِهَا وَ هِيَ لَهُمْ)) (طوسی، ۱۴۰۷، ۷ / ۱۵۲)؛ ((هر گروهی از مردم که به آبادسازی زمینی بپردازند به آن حق اولویت دارند و آن زمین مال آن‌هاست)).

۸-۱. نظارت بر تولید

یکی دیگر از وظایف اصلی دولت که رعایت آن باعث گسترش و رونق تولید می‌شود و از تولید محصولات بی‌کیفیت جلوگیری می‌شود، نظارت بر فرآیند تولید است. بر این اساس دولت مکلف است که مانع تولید کالاهایی شود که برای عموم جامعه نفعی ندارد و یا آن کالاهایی که تولیدش باعث ضربه زدن به قوام و مصالح مسلمین و جامعه اسلامی می‌شود مانند تولید مشروبات الکلی و یا ساخت اسباب و آلات لهو و لعب. بر اساس دستورات دینی نه‌تنها تولید این قبیل محصولات بلکه هر کالایی که صورت تجمل‌گرایی و اشرافی دارد باید از سوی دولت ممنوع شود؛ زیرا هرگاه منابع کشور در زمینه ساخت این محصولات که مقدار زیادی از مواد اولیه را می‌طلبند صرف شود منابع برای ساخت کالاهای ضروری محدود می‌شود و یا قیمت آن‌ها بالا می‌رود و در نتیجه پس از نابرابری حاصله در اثر ساخت این کالاهای و گسترش فقر عمومی در میان طبقه متوسط اقتصاد کشور تضعیف و در نتیجه تولید رونق خود را از دست می‌دهد. در این زمینه امام صادق (ع) می‌فرماید: ((مَا يَتَعَلَّمُ الْعِبَادُ أَوْ يَعْلَمُونَ غَيْرَهُمْ مِنْ أَصْنَافِ الصَّنَاعَاتِ مِثْلَ الْكِتَابَةِ وَالْحِسَابِ وَالتِّجَارَةِ وَ الصِّيَاغَةِ وَ أَنْوَاعِ صُنُوفِ الْأَلَاتِ الَّتِي يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْعِبَادُ مِنْهَا مَنَافِعَهُمْ وَ بِهَا قِوَامُهُمْ وَ فِيهَا بُلْغَةُ جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ فَحَلَالٌ فِعْلُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ فِيهِ لِنَفْسِهِ أَوْ لِعِيَرِهِ...)) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷ / ۸۵)؛ ((... همه صنعت‌هایی که مردمان یاد می‌گیرند و یا یاد می‌دهند، مانند تحریر و محاسبه و تجارت و زرگری و... (ساخت) انواع آلات مختلفی که مردمان به آن‌ها نیاز دارند و از آن‌ها سود می‌برند و مایه قوام زندگی و وسیله‌ای برای دست یافتن به همه نیازمندی‌های دیگر است؛ پرداختن به کار با همگی این‌ها و تعلیم دادن آن‌ها - چه برای خود و چه برای دیگران حلال است)). بر اساس این حدیث، معیارهای تولید کالا و

خدمات در جامعه اسلامی عبارت‌اند از: اصل احتیاج عمومی، اصل سودمندی عمومی، اصل حفظ قوام زندگی اجتماعی و اصل پاسخگویی به نیازمندی‌های عمومی.

۹-۱. کنترل واردات کالا

یکی از عوامل مهمی که رعایت آن از سوی دولت باعث گسترش و رونق تولید می‌شود و به تبع شکوفایی اقتصادی را به دنبال دارد، اتخاذ سیاست‌های مناسب و منطقی در خصوص واردات کالا است. در این زمینه دولت اسلامی مکلف است این سیاست‌گذاری را بر اساس اصول مأخوذ از روایت امام صادق (ع) که پیش‌تر اشاره کردیم (احتیاج عمومی، سودمندی عمومی، حفظ قوام زندگی اجتماعی و پاسخگویی به نیازمندی‌های عامه جامعه) تنظیم کند چه اینکه اصول یادشده صرفاً مربوط حوزه تولید کالا و خدمات نیست و واردات را نیز می‌تواند در برگیرد.

بنابراین دولت اسلامی بر اساس دستورات صریح منابع دینی مکلف است که صرفاً اجازه واردات کالاهایی را بدهد که امکان تولید آن‌ها در داخل وجود ندارد. علت این امر آن است که واردات بی‌رویه و غیرمعقول باعث تضعیف اقتصاد داخلی و به تبع آن تعطیلی واحدهای تولیدی در یک کشور می‌شود. از سوی دیگر توجه به این نکته هم ضروری است که واردات غیرمعقول و بی‌رویه باعث ورود فرهنگ بیگانه و مصرفی به کشور هم خواهد شد. این مطلب بدین معنی است که با واردات بی‌رویه جامعه هم نیازی در خود برای تولید این قبیل کالاها نمی‌بیند و نبود نیاز باعث آن می‌شود که تلاشی هم در جهت تولید یا بالا بردن کیفیت محصولات خود به کار نگیرد (ذاکری، ۱۳۸۱/۶۸). در اینجا است که دولت می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های راهبردی از پیامدهای منفی این موضوع بر اقتصاد داخلی کشور جلوگیری کند.

۲- تولیدکننده‌ها

دومین عامل مهم و تأثیرگذار در زمینه تولید محصولات انبوه و باکیفیت که در منابع اسلامی بر آن تأکید شده، تولیدکنندگان هستند. آن‌چنان‌که کیفیت و کمیت تولید در یک جامعه تا حد زیادی بستگی به عملکرد آن‌ها دارد. در ادامه به مهم‌ترین وظایف تولیدکنندگان در زمینه رونق تولید پرداخته می‌شود.

۱-۲. پرهیز از فریب (غش) در معامله

نهی از فریب در معاملات یکی از مهم‌ترین دستورات دینی در رابطه با تجار و تولیدکنندگان است. واژه ((غش)) در لغت به معنای فریب دادن، سخن گفتن برخلاف باطن و نامناسب را سودمند و مناسب نشان دادن است (بستانی، ۱۳۷۵ / ۴۴۱). در منابع اسلامی افراد متخلق به این صفت خارج از گروه مسلمانان معرفی شده‌اند؛ آن‌چنان‌که پیامبر گرامی اسلامی خطاب به مرد خرمافروشی که هدفش فریب مسلمانان بود می‌فرماید: ((أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ غَشَّهُمْ)) (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۷ / ۴۶۶)؛ ((مگر نمی‌دانی که هر کس که مسلمانان را فریب دهد از آنان نیست)). در منابع دینی فریب در معاملات انواع مختلفی دارد که عبارت‌اند از:

۱-۱-۲. ارائه کالاهای تقلبی به مردم

در منابع اسلامی، ارائه کالای تقلبی به‌جای کالای اصل یا ترکیب جنس نامرغوب و ارزان با جنس مرغوب و گران آن‌چنان‌که از هم قابل تفکیک نباشند از مصادیق غش (فریب) در معامله است و به‌شدت محکوم شده است. امام صادق (ع) در پاسخ به سؤالی در مورد ترکیب خوراک مرغوب با نامرغوب می‌فرماید: ((فَقَالَ هُوَ غِشٌّ وَ كَرِهٌ)) (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ۲ / ۲۸)؛ ((آن غش "فریب" است و ناپسند است)).

بر اساس دستورات صریح اسلامی تولیدکنندگان مکلف‌اند که ضمن بالا بردن کیفیت کالا و خدمات خود از فریب و خدعه در دادوستد خودداری کنند. اهمیت این موضوع برای بازار اسلامی دوچندان است و علت آن است که چنانچه تولیدکنندگان به این عمل ناپسند مبادرت ورزند علاوه بر از بین بردن فضای معنوی در جامعه اسلامی و اعتماد مردم در سطح ملی در سطح جهانی نیز پیامدهای بسیار منفی برای اقتصاد کشورشان حاصل می‌کنند و یک جو بی‌اعتمادی نسبت به کالاهای آن کشور در سطح جهانی حاصل می‌شود که در هر دو وجه تولید با کاهش مواجه می‌شود.

۲-۱-۲. تبلیغات دروغ

در لغت واژه تبلیغ به معنای پیام‌رسانی است و در اصطلاح به‌نوعی از رساندن پیام که هدف و منظور آن اثرگذاری در نفس پیام‌گیرنده است تعریف شده است (حسینی، ۱۳۸۸ / ۱۷۶). متأسفانه در جهان امروز شاهد این مطلب هستیم که تبلیغات برای کالاهای تجاری و تولیدی با هدف

جذب حداکثری خریدار توأم با تعریفات و تبلیغات دروغین شده است. بدیهی است که این شیوه تبلیغ مخالف با آموزه‌های اسلامی است. در دستورات دینی هرگونه تبلیغی که ارزش یک کالا یا خدمت را فراتر از آنچه هست نشان بدهد نکوهش شده است. روایت امام صادق (ع) در این زمینه نشان صدق مدعای ماست؛ آن‌چنان‌که حضرت در روایتی به رعایت پنج ویژگی در هنگام دادوستد تأکید کرده است و یکی از آن‌ها عدم ستایش کالا (تبلیغات دروغین) در زمان فروش است (صدوق، ۱۳۶۲، ۱/۲۸۶).

توجه به این نکته نیز ضروری است که در آموزه‌های دینی تبلیغات نه تنها نهی شده بلکه در جهت رونق تولید مسلمین بر آن تأکید شده است. بر اساس آموزه‌های دینی تبلیغات درستی که باعث رونق اقتصادی و تولیدی در یک جامعه می‌شود دارای ویژگی‌هایی است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: معرفی ویژگی‌های حقیقی کالاها و پرهیز از ادعاهای دروغ و گزاف، اطلاع‌رسانی در مورد ضررها و عوارض جانبی احتمالی، معرفی عیب‌های یک کالا و به حداقل رساندن جنبه‌های منفی و بدآموز تبلیغ (عیوضلو، ۱۳۸۷/۱۸۱).

بر این اساس تولیدکنندگان مکلف‌اند تا با پرهیز از تبلیغات دروغین در خصوص تولیدات خود، اعتماد مصرف‌کنندگان را جلب کنند و بدیهی است که چنانچه اعتماد مصرف‌کننده در خصوص کالایی جلب شود باعث افزایش تولید با بالا رفتن میزان مصرف آن کالا خواهد شد.

۳-۱-۲. کم‌فروشی

یکی از بارزترین مصادیق غش (فربیب) در معاملات کم‌فروشی است. در اهمیت این موضوع همین بس که خداوند متعال در قرآن کریم یک سوره را به مسئله کم‌فروشی اختصاص داده و به نکوهش کار زشت متخلفین به این صفت پرداخته است می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ» (مطففین، ۱-۶)؛ ((وای بر کم‌فروشان. آنان که چون از مردم کالایی را با پیمانانه و وزن می‌ستانند، تمام و کامل می‌ستانند و چون برای آنان پیمانانه و وزن کنند، کم می‌دهند. آیا اینان یقین ندارند که حتماً برانگیخته می‌شوند؟)).

هرچند که آیه تصریح بر کم گذاشتن در ترازو و پیمانه دارد اما می‌تواند مفهوم وسیع‌تری را نیز داشته باشد و کم‌فروشی در معاملات و کم‌کاری در ساعات کاری و ارائه خدمات یا حتی کاستن از مواد یا کیفیت کالاهای تولیدی را نیز در برگیرد. علاوه بر قرآن در روایات هم کم‌فروشی به‌عنوان یکی از گناهان بزرگ معرفی شده است که علاوه بر عقاب اخروی، کیفرهای دنیوی را نیز به دنبال دارد. چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: ((وَإِذَا طَفَقُوا الْمِكْيَالَ أَخَذَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ)) (کراجکی، ۱۳۹۴/۶۶)؛ (هر زمان مردمانی در پیمانه کم گذارند خداوند آن‌ها را به تنگ‌سالی و نقص (کمبود) دچار می‌سازد).

۲-۲. اجتناب از گران‌فروشی

به دست آوردن سود و درآمدزایی یکی از مهم‌ترین اهداف معامله و دادوستد محسوب می‌شود. نرخ سود باید بر پایه هزینه‌ها و تأمین منافع تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان تعیین شود و این بدان معناست که به هیچ‌کدام از این گروه‌ها ستم نشود. حضرت امیر (ع) در این رابطه می‌فرماید: ((وَلْيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تَجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ)) (نوری، ۱۴۰۸، ۱۳/۱۶۷)؛ (خرید و فروش باید آسان و بر اساس میزان عدل و با نرخ‌هایی که نه به زیان فروشنده و نه به زیان خریدار است انجام پذیرد)؛ بنابراین بر اساس آموزه‌های دینی ملاک معاملات ستم نکردن است و چنانچه در معامله‌ای مقدار سود ستم به فروشنده یا خریدار باشد مصداق ((اکل مال به باطل))^۱ در آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (نساء، ۲۹) به شمار می‌آید و این کار ممنوع است. خداوند در ادامه این آیه برای روشنگری بیشتر یک استثنا یعنی (لزوم رضایت طرفین معامله) آورده است. توجه به این نکته می‌تواند در فهم بهتر آیه به ما کمک کند که خداوند در ادامه آیه بر رضایت طرفین معامله تأکید کرده است و در این حالت گران‌فروشی را مجاز کرده است درحالی‌که در معامله‌هایی که تنها یک طرف سود می‌برد غالباً رضایت دو طرف حاصل نمی‌شود مگر در حالت اضطرار.

^۱ . در دستورات اسلامی هرگونه تصرف در اموال دیگران که بدون حق و بدون کسب مجوزهای منطقی انجام شود ممنوع شده است و همه تحت عنوان کلی ((باطل)) قرار می‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳/۳۵۵).

بنابراین جامعه‌ای که به دنبال رونق تولید و شکوفایی اقتصادی خود است تولیدکنندگان آن بر اساس دستورات دینی مکلف‌اند که سود منطقی را در تولیدات خود لحاظ کنند و از گران‌فروشی کالاها اجتناب کنند. در غیر این صورت مصرف‌کنندگان با مشاهده اجناس وارداتی ارزان‌تر تمایل به خرید آن‌ها پیدا می‌کنند که این برای تولید یک کشور بسیار خطرناک است.

۳- مردم

سومین عامل مهم و تأثیرگذار بر رونق اقتصادی و تولید یک کشور مردمان آن کشور است. آن‌ها می‌توانند با اقداماتی که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم باعث شکوفایی اقتصادی شوند و به تبع آن پشتوانه محکمی را برای رونق تولید و افزایش انگیزه تولیدکنندگان به بالا بردن کیفیت محصولات خود فراهم آورند. مهم‌ترین این اقدامات عبارت است از:

۱-۳. اولویت دادن به استفاده از کالاهای تولید داخل

در جامعه اسلامی افراد می‌توانند با اولویت دادن به خرید و مصرف کالاهای داخلی نسبت به کالاهای تولیدی خارجی، سهم مهمی در رونق تولید یک کشور و به تبع آن ارتقاء کیفیت محصولات ایفا کنند. کشورهای پیشرفته اقتصادی همواره نهایت تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا با استفاده از فناوری‌های پیشرفته بر جذابیت کالاهای خود به‌منظور جذب مشتری بیشتر بیفزایند؛ بنابراین به ایجاد نیازهای کاذب برای خرید و مصرف کالا در بین مردم همت می‌گمارند (خلیلیان، ۱۳۹۰/۳۱۷). در این میان سطح رشد فرهنگی و آگاهی مصرف‌کنندگان کشورهای دیگر است که منافع ملی آن‌ها را رقم می‌زند؛ چنانچه مصرف‌کنندگان جامعه اسلامی بدانند که ورود کالاهای خارجی به‌نوعی از مصادیق تسلط کفار و دشمنان اسلام بر بازار و سرمایه‌های مسلمین است و خالق آن‌ها نیز در آیه ۱۴۱ سوره نساء هرگونه تسلط کفار را بر مسلمین رد کرده است و بر اساس این دستور از خرید کالاهای خارجی ممانعت کنند و از تولیدات داخلی استفاده کنند تولید شکوفا خواهد شد.

۲-۳. مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه

از مهم‌ترین اقدامات مردم که می‌توان آن را در جهت حمایت از تولیدات در جامعه اسلامی دانست تلاش و مشارکت در جهت گسترش فعالیت‌های عام‌المنفعه است. از جمله مصادیق کارهای عام‌المنفعه می‌توان به ساخت مسجد، مدرسه، پل و جاده یا حفر قنوت و مانند آن و

وقف درآمد آن‌ها برای فقرا و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های فرهنگی اشاره کرد (حسینی، ۱۳۸۸/۱۶۲).

این نوع از مشارکت را در سیره همه معصومین (علیهم‌السلام) نیز شاهد هستیم و همواره مردم را نیز به آن دعوت می‌کردند؛ به‌عنوان نمونه در وصف حضرت امیر (ع) آمده است که ایشان هزار برده را با درآمد خود آزاد کردند، صد هزار درخت خرما وقف کردند و در راه مکه و مدینه چندین حلقه چاه حفر کردند و در مدینه مسجد فتح را ساختند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۲/۱۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۱/۳۲-۳۳). بدیهی است که مشارکت مردم جامعه در این قبیل فعالیت‌ها زمینه را برای اشتغال فراهم کرده و باعث شکوفایی اقتصاد آن‌ها می‌شود و شکوفایی اقتصادی هم به‌صورت مستقیم باعث رونق تولید خواهد شد.

۳-۳. صبر و مقاومت در برابر مشکلات اقتصادی

در فرهنگ دینی صبر و مقاومت در برابر مشکلات به‌عنوان کلید دست‌یابی به رشد و سعادت معرفی شده است. در آیات متعددی از قرآن کریم به این موضوع اشاره شده است از جمله آیه ۶ سوره شرح می‌فرماید: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ ((آری مسلماً با هر سختی آسانی است)). صبر عبارت است از آن حالتی که فرد در برابر مشکلات و ناملازمات پیش‌آمده برای وی شکایت و اظهار نارضایتی نکند. در تعریف صبر اقتصادی نیز می‌توان عنوان داشت که عبارت است از عدم تسلیم و عدم شیفتگی در برابر کالاهای تولیدی جذاب دشمنان و کالاهای لوکس و تجملی. مؤید این تعریف روایت حضرت علی (ع) است که در آن نوع از صبر به‌عنوان بالاترین صبر معرفی شده است. حضرت می‌فرماید: ((أَفْضَلُ الصَّبْرِ الصَّبْرُ عَنِ الْمَحْبُوبِ)) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰/۱۹۵)؛ ((والاثرین صبرها آن صبری است که آدمی در برابر آنچه جذاب و موردعلاقه وی است به کار می‌گیرد)).

بنابراین بر طبق دستورات دینی مردمانی که به دنبال پیشرفت اقتصادی، رونق تولید و بالا بردن کیفیت محصولات خود هستند می‌بایست در برابر مشکلات اقتصادی صبر پیشه کنند چراکه این کار باعث شکوفایی استعدادها و زمینه‌سازی برای استفاده بهتر از منابع در فرآیند تولید از طریق تزریق روحیه امیدواری به جامعه می‌شود.

۴-۳. رعایت قوانین مصوب حکومت

بر اساس دستورات دینی مردم در جامعه اسلامی مکلف‌اند علاوه بر تمکین از قوانین الهی، از قوانین حکومت اسلامی که بر اساس مصالح اسلام و مسلمین وضع شده است نیز تبعیت کنند. خداوند متعال در قرآن کریم به صراحت این مطلب را مطرح کرده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹)؛ ((ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید)).

بر این اساس چنانچه حکومت اسلامی با در نظر گرفتن مصالح مسلمانان حکم بر انجام یا عدم انجام فعلیتی در زمینه تولید، توزیع و مصرف صادر کند و از مردم رعایت این حکم را مطالبه کند مردم مکلف به اطاعت هستند؛ به عنوان نمونه چنانچه حاکم اسلامی بر اساس شرایط اقتصادی جامعه حکم کند که مصرف یک نوع از کالای خارجی ممنوع است مردم مکلف به عدم خرید این نوع از کالای خاص می‌باشند. در تاریخ مصداق این موضوع، فتوای تحریم تنباکو توسط مرجع تقلید وقت میرزای شیرازی و حمایت مردم از این فتوا است (مطهری، ۱۳۷۵، ۳/۴۷۷).



نتیجه

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که:

۱. در قرآن، روایات و سیره پیامبران و معصومین (علیهم‌السلام) راهکارهایی در جهت رونق تولید و بالا بردن کیفیت محصولات در جامعه اسلامی ارائه شده است که همه این راهکارها دارای جنبه عملیاتی در هر عصر و زمانی می‌باشند.
۲. از دیدگاه قرآن و روایات شرط دستیابی به شکوفایی اقتصادی و رونق تولید آن است که همه طبقات یک جامعه به وظایف خود عمل کنند؛ بنابراین در این منابع برای همه طبقات جامعه که عبارت‌اند از دولت، تولیدکنندگان و مردم دستورالعمل‌هایی ارائه شده است.
۳. وظایف دولت جهت رونق تولید و بالا بردن کیفیت محصولات بر اساس رهنمودهای این منابع عبارت است از: تلاش در جهت استقلال و اقتدار اقتصادی و عدم وابستگی به بیگانگان، تقویت روحیه کار و نهی از تنبلی در جامعه، حمایت از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان، استفاده بهینه از سرمایه و منابع طبیعی کشور، برقراری امنیت اقتصادی، تربیت نیروی متخصص، واگذاری فعالیت‌های تولیدی به بخش خصوصی و نظارت بر تولید و کنترل واردات کالاها. همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سهم و نقش دولت در تحقق رونق تولید نسبت به دو عامل دیگر برجسته‌تر است.
۴. وظایف تولیدکنندگان جهت رونق تولید و کیفی سازی محصولات بر اساس رهنمودهای این منابع عبارت است از: اجتناب از فریب و غش در معاملات و پرهیز از گران‌فروشی.
۵. وظایف مردم جهت رونق تولید بر اساس رهنمودهای این منابع عبارت است از: ترجیح استفاده از کالاهای ساخت تولید داخلی، مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه، صبر و مقاومت در برابر مشکلات اقتصادی و رعایت قوانین مصوب حکومتی.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه.
۲. ابن شهر آشوب سروری مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، المناقب، قم، انتشارات علامه.
۳. امام علی بن الحسین (ع)، ۱۳۷۶ ش، صحیفه سجادیه، قم، دفتر نشر الهادی.
۴. بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۵ ش، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الإسلامی.
۶. تمیمی مغربی، ابو حنیفه قاضی نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ ق، دعائم الاسلام، قم، مؤسسه آل البيت.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
۸. حسینی، رضا، ۱۳۸۸ ش، الگوی تخصیص در آمد و نظر به رفتار مصرف کننده مسلمان، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. خلیلیان، محمد جمال، ۱۳۹۰ ش، شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه امام خمینی.
۱۰. ذاکری شاندیز، مجتبی، ۱۳۸۱ ش، علل ناتوانی ما در اقتصاد و صنعت، تهران، انتشارات غدیر.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق و بیروت، دار العلم - الدار الشامیه.
۱۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ ق، نهج البلاغه (لصباحی صالح)، قم، هجرت.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۲ ش، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۳ ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۹۰ ق، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ ق، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

۱۷. عیوضلو، حسین، ۱۳۸۷ ش، قرآن و اقتصاد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. فراهانی فرد، سعید، ۱۳۷۸ ش، نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶ ق، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المومنین علی (ع).
۲۰. کراجکی، محمد بن علی، ۱۳۹۴ ق، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، تهران، المكتبة المرتضویة.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه.
۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵ ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۹ ش، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۲۶. نوری، میرزا حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت.